



فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی در چهارچوب رسالت‌های مجمع عالی علوم انسانی اسلامی منتشر می‌شود.

سال ۱۰ / شماره ۳ / شماره پیاپی ۳۶ / پاییز ۱۴۰۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عطاءالله رفیعی آتانی

سردبیر: احمدحسین شریفی

جانشین سردبیر: سید محمدتقی موحد ابطحی

مدیر اجرایی و بازرین نهایی: سید مهدی موسوی

ویراستار: حمیدرضا عرفانی‌فر

صفحه‌آرا و طراح جلد: اعظم یزدلی

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سعید بهشتی (استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)، سید محمدرضا تقوی (استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)، عطاءالله رفیعی آتانی (استادیار گروه اقتصاد دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران)، احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، قم، ایران)، نجف لک‌زایی (استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم^(ع)، قم، ایران)، سید حسین میر معزی (دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران)، حسن آقا نظری (استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران).

اعضای مشورتی هیئت تحریریه: حسین بستان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران)، سید احسان رفیعی علوی (دانشیار گروه فقه مضاف دانشگاه باقرالعلوم^(ع)، قم، ایران)، محمد کاویانی آرانی (دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران)، محمد جواد نوروزی (استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، جواد اقبال (استاد دانشگاه اسلامی علیگر، هند)، طلال عترت‌یسی (استاد دانشگاه بیروت، لبنان).

نشانی دفتر فصلنامه:

تهران: بلوار ارتش (شرق به غرب)، بعد از متروی شهید محلاتی، نرسیده به "شمیران سنتر"، پلاک ۷۹، مجتمع کاسپین، طبقه اول، واحد ۲، "مؤسسه گفت‌وگو پیشرفت"

کد پستی: ۱۹۵۵۷۵۳۷۴۷

تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۷۷۳۸۸

قیمت: ۲۰۰/۰۰۰ تومان

نشانی اینترنتی: frh.sccsr.ac.ir پست الکترونیک: frh@sccsr.ac.ir

ISSN: 2476-745X

E-ISSN: 2783-1418

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به استناد ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و براساس مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه از شماره ۱۵ به بعد حائز رتبه علمی-پژوهشی شد. رتبه علمی-پژوهشی این فصلنامه با درجه «ب» در تاریخ ۱۳/۰۵/۱۴۰۳ تمدید شده است.

- مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.

- فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.

- نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.



فهرست مطالب

۱۱

علوم انسانی بر پایه نظام اجتماعی
هادی موسوی

۵۱

ظرفیت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جو یانه برای راهبری پژوهش مبتنی بر هستی‌های ارادی
مجتبی جوادی، سیدمجتبی امامی

۹۳

ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روش‌شناختی انسان اقتصادی متعارف و افق‌های آینده
عطاءالله رفیعی آتانی

۱۳۵

بازاندیشی مبانی مدیریت راهبردی دانش، براساس نظریه علم‌شناسی توحیدی
گامی به‌سوی تمدن‌سازی نوین اسلامی
علیرضا پیروزمند، اسماعیل شاطری احمدآبادی

۱۶۹

بررسی انتقادی شاخص «زنان، کسب‌وکار و قانون» بانک جهانی پیرامون نقش‌آفرینی زنان در
عرصه اقتصاد؛ رهیافتی بر الگوی تمدنی سوم زن
سیدامیرحسین حسینی فیروزکلانی، سیدمحمدحسین حسینی کریمی، کوثر مهدوی سیرت

۲۰۹

تجربه‌ای از به‌کارگیری جهت‌گیری الهی، در آموزش دروس پایه مقدمات طراحی معماری
صدیقه معین مهر

A critical review of the World Bank's "Women, Business and Law" index on the role of women in the economy; An approach to the third civilizational model of women *

Sayyed Amir Hossein Hosseini Firuzkalai

Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
sahhfk78@gmail.com

Sayyed Mohammad Hossein Hosseini Karimi

Associate Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Kowsar Mahdavi Sirat

Master's graduate in Economic Sciences, Islamic Economics Major, Qom University

Abstract

One of the common methods of international institutions to influence the behavior of countries in the world on various issues is to determine an index and rank them based on specific goals. In this regard, the World Bank has evaluated countries by determining the "Women, Business and Law" index in the field of women's economic role, with the Islamic Republic of Iran ranked 176th out of 180 countries. A scientific study of the 2023 "Women, Business and Law" index based on the critical analysis method shows that this index lacks the necessary validity and competence to determine the index and evaluate countries based on it and regulate international relations based on that evaluation, due to reasons such as "lack of attention to customs, culture, traditions, environment and the will of the people, especially women in each region", "the atheistic and anti-Sharia nature of the indicators", "inappropriate data collection method", "invalid information and erroneous statements in evaluating the indicators" and other scientific criticisms. Also, by considering the third civilizational model of women, by overcoming the reductionist dichotomy of Eastern-Western women, it provides the possibility of playing a role in the family and social arenas. This research emphasizes the necessity of designing indigenous indicators based on religious and cultural foundations and highlights the need to adhere to the principle of negating the mustache in interactions with international institutions.

Keywords: Women, Business and Law Index, World Bank, Islam, Third Civilization Model of Women.

 <https://orcid.org/0009-0002-5959-0837>

بررسی انتقادی شاخص «زنان، کسب و کار و قانون» بانک جهانی پیرامون نقش آفرینی زنان در عرصه اقتصاد؛ رهیافتی بر الگوی تمدنی سوم زن

سیدامیرحسین حسینی فیروزکلائی

دانشجوی مقطع دکتری علوم اقتصادی گرایش توسعه اقتصادی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)

sahhfk78@gmail.com

سیدمحمدحسین حسینی کریمی

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد مدرسی اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم و طلبه سطوح عالی تخصصی

حوزه علمیه قم

کوثر مهدوی سیرت

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی دانشگاه قم

چکیده

یکی از روش‌های مرسوم نهادهای بین‌المللی برای تأثیرگذاری بر رفتار کشورهای جهان در موضوعات مختلف، تعیین شاخص و رتبه‌بندی آنان براساس اهداف معین است. در همین راستا، بانک جهانی با تعیین شاخص «زنان، کسب و کار و قانون» در حوزه نقش آفرینی اقتصادی زنان کشورها را مورد ارزیابی قرار داده است که جمهوری اسلامی ایران در جایگاه ۱۷۶ از میان ۱۸۰ کشور قرار گرفته است. بررسی علمی شاخص «زنان، کسب و کار و قانون» سال ۲۰۲۳ براساس روش تحلیل انتقادی نشان می‌دهد که این شاخص به عللی از جمله «عدم توجه به آداب، فرهنگ، سنت، بوم و خواست مردم به‌ویژه زنان هر منطقه»، «الحادی و ضدشریعت بودن شاخص‌ها»، «روش جمع‌آوری داده غیرمتناسب»، «نامعتبر بودن اطلاعات و گزاره‌های اشتباه در ارزیابی شاخص‌ها» و سایر انتقادات علمی، فاقد وجاهت و صلاحیت لازم برای تعیین شاخص و ارزیابی کشورها بر حسب آن و تنظیم مناسبات بین‌المللی برحسب آن ارزیابی است. همچنین با در نظر گرفتن الگوی تمدنی سوم زن، با عبور از دوگانه تقلیل‌گرایانه زن شرقی-غربی، امکان

نقش آفرینی توأمان در عرصه خانوادگی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. این پژوهش بر ضرورت طراحی شاخص‌های بومی مبتنی بر مبانی دینی و فرهنگی تأکید نموده و لزوم پایبندی به اصل نفی سبیل در تعامل با نهادهای بین‌المللی را خاطرنشان می‌سازد.

واژگان کلیدی: شاخص «زنان، کسب‌وکار و قانون»، بانک جهانی، اسلام، الگوی تمدنی سوم زن.

مقدمه

شاخص «زنان، کسب‌وکار و قانون» (WBL) که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، ابزاری جهانی برای سنجش محیط قانونی و نهادی مؤثر بر فرصت‌های اقتصادی زنان است. هدف این پروژه، ارتقای رشد اقتصادی از طریق ترویج برابری قانونی بین زنان و مردان در هشت حوزه کلیدی (تحرك، محل کار، دستمزد، ازدواج، فرزندآوری، کارآفرینی، دارایی‌ها و بازنشستگی) می‌باشد. براساس گزارش ۲۰۲۳، میانگین امتیاز جهانی این شاخص ۷۷.۱ از ۱۰۰ است، حال آنکه جمهوری اسلامی ایران با امتیاز کلی ۳۱.۳ در رتبه ۱۷۶ جهان و در میان پایین‌ترین کشورها قرار گرفته است. این موقعیت پایین در رتبه‌بندی جهانی، نقطه عزیمت بسیاری از تحلیل‌ها و نیز پرسش‌های انتقادی نسبت به ماهیت، مبانی و روش این سنجش بین‌المللی است.

«زنان، کسب‌وکار و قانون ۲۰۲۳»، شاخصی است که چرخه زندگی زنان شاغل را همچون سال‌های گذشته در ۱۹۰ اقتصاد جهان مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. این پروژه، براساس هشت شاخصی که زنان در تعامل با قانون در زندگی و شغل خود با آن مواجه هستند (جابه‌جایی، محل کار، دستمزد، ازدواج، فرزندآوری، کارآفرینی، دارایی و بازنشستگی) شکل گرفته و سپس امتیازات کلی را با در نظر گرفتن میانگین هر شاخص محاسبه کرده است. بر این مبنا ۱۰۰ نشان‌دهنده بالاترین امتیاز و صفر کمترین امتیاز است. بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، لاتویا، لوکزامبورگ، هلند،

پرتغال، اسپانیا و سوئد، ۱۴ کشوری هستند که توانسته‌اند از این آزمون امتیاز ۱۰۰ بگیرند و صدرنشین جدول بانک جهانی شوند و رتبه جمهوری اسلامی ایران نیز ۱۷۶ و در کنار نوار غزه، یمن و لیبی در انتهای جدول رتبه‌بندی می‌باشد. با وجود ادعای جهان‌شمولی و عینیت، شاخص WBL از منظر مقاله حاضر با چند مسئله بنیادین روبه‌روست. نخست، پیش‌فرض گرفتن یک الگوی لیبرال-سکولار به عنوان هنجار مطلق، که منجر به غفلت نظام‌مند از مبانی فرهنگی-دینی و ارزش‌های خانواده‌محور در تنظیم قوانین مرتبط با زنان در جوامعی مانند ایران می‌شود. دوم، تناقض‌های روش‌شناختی آشکار بین امتیازات صفر یا بسیار پایین ایران در شاخص‌هایی مانند «تحرك» یا «محل کار» با واقعیت‌های عینی جامعه است. به‌طور مثال، حضور پررنگ زنان در عرصه‌های تحصیلات عالی، مشاغل تخصصی مانند پزشکی و مهندسی، و فعالیت‌های کارآفرینی، که با نمره صفر شاخص «محل کار» (ناظر بر ممنوعیت تبعیض جنسیتی در استخدام) در تعارض کامل است. این ناسازگاری، اعتبار شاخص را در بازنمایی دقیق محیط اقتصادی زنان در ایران زیر سؤال می‌برد.

این در حالی است که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که توسط خبرگان و منتخبین مردم در جمهوری اسلامی ایران برگرفته از آرای مجتهدین و عالمان دینی و علمی و سیاسی بزرگ وقت کشور و براساس اصول اساسی و مبانی اسلامی نگارش و تدوین شده است و مهم‌ترین نقشه راه و سند بالادستی کشور در جهت پیشرفت و رسیدن به آرمان‌های اصیل جمهوری اسلامی می‌باشد (حسینی و حبیبیان ۱۴۰۳، ۱) ذکر گردیده است که «زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ، هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال

حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

براین اساس، ضرورت این پژوهش، ارائه تحلیلی انتقادی و چندبُعدی (حقوقی، دینی، روش‌شناختی و اقتصادی-سیاسی) از شاخص WBL و پیشنهاد چهارچوبی جایگزین و بومی برای سنجش نقش‌آفرینی اقتصادی زنان است. روش این مقاله، تحلیلی-انتقادی با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای و داده‌های گزارش بانک جهانی است. چهارچوب نظری آن نیز بر پایه «الگوی تمدنی زن سوم» به‌عنوان پارادایمی برآمده از انقلاب اسلامی بنا شده است که درصدد تعریف و تبیین معیارهایی فراتر از الگوی لیبرالیسم فردمحور و سوسیالیسم جمع‌گرا، با تأکید بر کرامت انسانی، نقش‌های مکمل و تعالی‌بخش خانواده و مشارکت اجتماعی توأم با ارزش‌های دینی است. هدف نهایی، گذار از نقد شاخص موجود به ترسیم افقی جایگزین برای نقش‌آفرینی زنان در اقتصاد، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تجربه جمهوری اسلامی ایران است.

بیان مسئله

در بین عوامل تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب‌وکار، زنان ارتباط اجتناب‌ناپذیری با شاخص فضای کسب‌وکار دارند و تبیین این ارتباط می‌تواند به اتخاذ کارآمد سیاست‌های بخش کسب‌وکار کمک شایانی کند. نقش زنان در فضای کسب‌وکار از جمله عواملی است که در مباحث مربوط به فضای کسب‌وکار، حائز اهمیت فراوانی است. به‌طوری‌که رشد اخیر فضاهای کسب‌وکار در کشورها را نمی‌توان بی‌ارتباط با نقش زنان کارآفرین و نقش محوری خانواده دانست (اسکویی و طبقچی ۱۳۹۵، ۸۷). همچنین خانواده‌محوری، توسط فرد اول فرهنگی و تربیتی یعنی مادر و زن خانواده، به سایر افراد تزریق می‌شود. به‌طوری‌که مادر که نقش کلیدی در تربیت فرزندان خود را داراست، می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین الگوی فرهنگی

در جامعه قلمداد شده و به عنوان مهم ترین مسئول فرهنگی، باید بیش از پیش به آن بها داده شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت نقش زن در پیشبرد اهداف یک جامعه، نقش پررنگ و اساسی و زیربنایی است و در نظر گرفتن نقش زن در جامعه باید از الزامات فرهنگی و زیربنایی قلمداد شود (اسکویی و طبقچی ۱۳۹۵، ۸۷).

در بسیاری از تحقیقاتی که پیش از این در ایران صورت گرفته، بحث اشتغال زنان و تأثیر آن بر توانمندسازی مثبت ارزیابی شده است بدون اینکه به مبانی شاخص توانمندسازی توجه شود؛ عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان رتبه بندی شود، و یا تأثیر اشتغال زنان و نوع این اشتغال یا تأثیر توانمندسازی زنان بر خانواده و اجتماع سنجیده شود. در این تحقیقات تأثیر و تأثرات فرهنگی مغفول واقع شده است؛ به عبارت دیگر چنین انگاشته شده است که شاخص توانمندسازی جهان شمول، و بدون توجه به جامعه مورد بررسی است (مؤمنی و همکاران ۱۳۹۸، ۱۸۴).

شاخص های بین المللی یکی از مهم ترین ابزارهای جهت دهی و سیاست گذاری برای کشورهای دنیا توسط مراکز و نهادهای بین المللی است که برای پیشبرد اهداف خود به تولید این شاخص ها و رتبه بندی کشورهای دنیا از عینک و زاویه نگاه خود می پردازند. عمده این شاخص ها به خاطر جهت گیری ارزشی خاص خود در بیان حقیقت های موجود به صورت صادقانه و منصفانه ناتوان بوده و مورد انتقادات فراوانی هستند. در این زمینه، شاخص «زنان، کسب و کار و قانون» (۲۰۲۳) بانک جهانی نیز از جنس شاخص های بین المللی است که با سوگیری و اهدافی خاص و با عینک معیار دانستن برابری جنسیتی برای موفقیت زنان در عرصه نقش آفرینی اقتصادی، تولید شده است و روش شناسی آن و شاخص های ارزیابی مدنظر آن نیز هم راستا با این سوگیری طراحی گردیده است به نحوی که تمام معیارهای مبتنی بر دین و شریعت، فرهنگ، آداب و رسوم بومی و... از ملاک های ارزیابی حذف و حتی دارای نمرات منفی هستند.

برای مثال «شاخص تحرک»^۱ که با میزان آزادی زنان در جابه‌جایی مشخص می‌شود، تفاوت‌ها در قوانین و مقرراتی را که بر حقوق زنان و مردان برای انتخاب محل زندگی، بیرون رفتن از خانه، دریافت پاسپورت و... تأکید می‌کنند، ارزیابی می‌کند. اگرچه «جابه‌جایی» کمترین میزان محدودیت‌ها را در میان همه شاخص‌های زنان، کسب‌وکار و قانون دارد، ۵۵ اقتصاد در سراسر جهان همچنان آزادی حرکت زنان را محدود می‌کنند. امتیاز دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سودان جنوبی از این شاخص صفر است درحالی‌که این نمره با واقعیت‌های کشور جمهوری اسلامی ایران کاملاً متناقض و متفاوت است. شواهد این امر نشان می‌دهد که میزان حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، نسبت به دوره‌های پیش از انقلاب اسلامی، رشد چشمگیری داشته است (کریمی ۱۴۰۰، ۱۵۵).

یا در مثالی دیگر، جمهوری اسلامی ایران از «شاخص محل کار»^۲ هم، صفر گرفته است. شاخص محل کار، قوانینی را که بر تصمیم زنان برای ورود به بازار کار تأثیر می‌گذارند -از جمله ظرفیت قانونی و توانایی او برای کار و همچنین حمایت در برابر تبعیض و آزار جنسی- تحلیل می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که ناتوانی یک زن در انتخاب آزادانه شغل و شانس شغلی او، ارتباط منفی دارد و رفع موانع قانونی می‌تواند مشارکت زن را در مشاغل دارای حقوق و مشاغلی که نیاز به سطوح بالاتر تحصیلات دارند تشویق کند. علاوه بر این، داده‌های ایالات متحده نشان می‌دهد که آزار و اذیت جنسی در محل کار می‌تواند بر مسیر شغلی زنان تأثیر منفی بگذارد و استرس مالی را افزایش دهد (عمیق‌تر در بدهی: زنان و وام‌های دانشجویی، ۲۰۱۷). این درحالی است که کشورهای پایبند به امور دینی و فرهنگ‌های بومی و خانواده‌بنیان، قطعاً شرایط مناسب‌تری در تأمین امنیت و آرامش محیطی

1. Mobility.

2. Workplace.

برای فعالیت بانوان نسبت به کشورهای با سطح پابندی اخلاقی پایین تر دارند. از منظر اخلاق اسلامی، «امنیت» تنها به نبود تهدید فیزیکی محدود نمی شود، بلکه «امنیت اخلاقی و روانی» به عنوان بستری ضروری برای شکوفایی استعدادهای انسانی تعریف می شود. قرآن کریم با تأکید بر کرامت ذاتی انسان ها (اسراء: ۷۰) و دعوت به تقوا به عنوان عامل شرافت بخش (حجرات: ۱۳)، فضایی را ترسیم می کند که در آن، زن هم به عنوان حامل این کرامت، حق دارد در محیطی ایمن و به دور از هرگونه «اذیت» و «تعدی» (بقره: ۲۲۹) به فعالیت پردازد. در چنین منظومه ای، نهاد خانواده، نه تنها صرفاً محل آرامش (روم: ۲۱) که پایگاه و پشتوانه ای مطمئن برای حضور اجتماعی زن محسوب می شود. برای نمونه، در جوامعی که قوانین و هنجارهای اخلاقی آن برخاسته از این مبانی است، شاهد سرمایه گذاری های کلان در ایجاد فضاهای امن و اختصاصی بانوان (مانند پارک ها، ورزشگاه ها، و وسایل حمل و نقل عمومی) و نیز تصویب قوانینی نظام مند در برابر آزار و اذیت زنان در محیط های کاری هستیم. این اقدامات، که در راستای حفظ حریم خصوصی و عزت زن (احزاب: ۵۹) صورت می گیرد، در مقابل الگوی لیبرال قرار می گیرد که با اولویت دادن به آزادی های فردی مطلق، اغلب زن را در معرض «عینیت زدایی» و کالایی شدن در فضای عمومی و اقتصادی قرار داده و احساس ناامنی را در او نهادینه می کند. بنابراین، برخورداری از یک چهارچوب اخلاقی و دینی قدرتمند، نه به عنوان یک محدودیت، بلکه به عنوان یک «توانمندساز کلیدی» برای تضمین مشارکت فعال، سالم و بی دغدغه زنان در عرصه اقتصاد عمل می کند.

نمره صفر دیگر ایران مربوط به شاخص ازدواج است. شاخص ازدواج، محدودیت های قانونی مربوط به ازدواج و طلاق را ارزیابی می کند که تأثیرات حیاتی بر توانمندی اقتصادی زنان دارند. در این زمینه نیز کشور جمهوری اسلامی ایران با بستری مناسب در

خانواده‌محوری و تحکیم بنیان خانواده و مشوق‌های فراوان ازدواج با نمره صفر ارزیابی شده و کشورهایی با آمارهای بالای روابط نامشروع و متولدین خارج از ازدواج، نمره کامل را کسب نموده‌اند.

افزون بر نقد مبانی نظری و روش‌شناسی شاخص «زنان، کسب‌وکار و قانون»، توجه به آثار و پیامدهای بین‌المللی این رتبه‌بندی‌ها نیز از اهمیت بنیادین برخوردار است. رتبه‌های منتشرشده توسط بانک جهانی، به دلیل جایگاه مرجعیت این نهاد در نظام حکمرانی جهانی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به تصویر بین‌المللی کشورها، جهت‌دهی به افکار عمومی جهانی، تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی و حتی مبنای برخی فشارهای سیاسی و حقوق بشری ایفا می‌کنند. از این منظر، استمرار بازنمایی نادرست و تقلیل‌گرایانه از وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، که مبتنی بر شاخص‌هایی با سوگیری ارزشی خاص و بی‌توجه به زمینه‌های فرهنگی، دینی و خانواده‌محور است، نه تنها به تحریف واقعیت‌های اجتماعی و حقوقی کشور می‌انجامد، بلکه به تثبیت یک نگاه منفی و کلیشه‌ای نسبت به جایگاه و نقش‌آفرینی زنان ایرانی در جامعه جهانی منجر می‌شود. ازاین‌رو، بازنگری انتقادی در منطق رتبه‌بندی شاخص WBL و تبیین کاستی‌های آن، اقدامی ضروری برای اصلاح ادراک بین‌المللی از وضعیت زنان در ایران و فراهم‌سازی زمینه‌ای علمی برای ارائه الگوهای بدیل بومی در سنجش مشارکت اقتصادی زنان به‌شمار می‌آید؛ امری که هدف اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

این موارد تنها بخشی از فرایند غیرواقعی ارزیابی شاخص «زنان، کسب‌وکار و قانون» (۲۰۲۳) بود که به‌صورت مختصر بررسی شد تا ابعاد آن، جهت نقد و بررسی کارشناسی و فنی روشن شود، اما در مورد این گزارش، اشکالات جدی وجود دارد که در این مقاله به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

از آنجاکه شاخص «زنان، کسب و کار و قانون» از جمله مباحث نسبتاً جدید در عرصه مطالعات اقتصادی کشور است، پیشینه منطبق و با ارتباط مستقیم در دسترس نیست. از این رو تلاش شد تا با بررسی فعالیت‌های علمی و پژوهشی پیرامون ایده اصلی این شاخص یعنی برابری جنسیتی، پیشینه لازم گردآوری شود.

منصوری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «الگوی ارتقایافته کارآفرینی زنان مبتنی بر رویکردها و تحولات جدید مطالعات جنسیت» عنوان می‌دارند که یکی از علت‌های حضور ناموفق زنان در عرصه کارآفرینی، نارسایی در نظریه‌پردازی و نقیصه‌های موجود در سیاست‌گذاری است که مطالعات جدید در زمینه رویکردهای جدید و سازگار با ابعاد جنسیتی در عرصه کارآفرینی زنان به همین منظور ارائه شده است. توانمندی در خودشناسی، پیشرو بودن زنان در امور خیریه، مکمل بودن نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، و ارزش افزوده زنانه مواردی اصلی هستند که با تلاقی خصیصه‌های فراجنسیتی کارآفرینی با نقش‌های جنسیتی زنان در عرصه عینی و عملی، می‌توان به چهارچوب مفهومی جدیدی در مقوله کارآفرینی زنان دست یافت که ضمن ایجاد فرصت‌های نوین، در کاهش موانع و نارسایی‌های متعارف نیز مؤثر باشد.

ابراهیمی و مهباری (۱۴۰۱) در مقاله «سیر تحول نقش جنسیت در گفتمان نسبت میان کار و زندگی: تحلیل کتاب‌سنجی و مصورسازی» نشان می‌دهند که حدود سه دهه است که موضوع نسبت میان کار و زندگی کارکنان مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. با حضور گسترده‌تر زنان در فعالیت‌های شغلی، موضوع جنسیت و نقش آن در نسبت میان کار و زندگی اهمیت بیشتری یافته و به صورت روزافزون بر تعداد پژوهش‌های این حوزه افزوده می‌شود. علاوه بر رشد کمی فزاینده پژوهش‌ها پیرامون این مفهوم، سیر تحول موضوعات پژوهشی در این گفتمان از سویه منفی نسبت میان کار و زندگی زنان در قالب

تضاد کار و زندگی، به ساحت مثبت این مفهوم در قالب غنی‌سازی و تعادل کار و زندگی و دست‌آخر طرح مفاهیم ایدئولوژی نقش جنسیتی، نگرش جنسیتی، مساوات‌طلبی جنسیتی و نابرابری جنسیتی بوده است.

کریمه گل‌گلی (۱۳۹۰) در مقاله «نقد آموزه‌های فمینیستی از منظر آیات و روایات (برابری و تفاوت، مردستیزی، نفی خانواده، نفی اخلاق سنتی)» با بررسی آیات و روایات و آراء و اندیشه‌های فمینیست‌ها و نیز بررسی تاریخچه فمینیسم، نحوه شکل‌گیری و امواج سه‌گانه آن، نتیجه می‌گیرد که می‌توان بیان کرد مبانی تفکر فمینیسم، از اساس با آموزه‌های وحیانی، آیات و روایات ناسازگار است و باتوجه‌به تبلیغات گسترده غربیان، این جنبش نتوانست گامی مؤثر و عملی برای ارتقای جایگاه زنان بردارد.

زهره خیری‌دوست و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل انتقادی مفروضات اولیه مبانی نظری شاخص توانمندسازی زنان» با بررسی شاخص «توانمندسازی زنان» عنوان می‌دارد که پژوهش‌های داخلی مبانی این شاخص را مدنظر نداشته و توانمندسازی را مبتنی بر نیازها و فرهنگ زنان ایرانی تعریف نکرده‌اند. این مقاله فروض برابری، برابری در نتایج یا فرصت‌ها، برابری تحصیلی، کارخانگی زنان، فرض نان‌آور بودن مردان و برابری شغلی زنان و مردان را در تعریف این شاخص شناسایی و تحلیل کرده است. مهم‌ترین نتایج این تحقیق این است که شاخص توانمندسازی زنان بر محور نظریه قابلیت‌ها و عاملیت آماریا سن و اقتصاد فمینیستی قرار دارد. این شاخص جهان‌شمول نیست و به وضعیت وابسته است. مبانی نظری آن در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ دارای تناقضاتی است که با عدالت اسلامی قابل حل است.

سیدعلی حسینی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «نقد دیدگاه فمینیسم لیبرال در زمینه برابری زن و مرد از منظر قرآن و روایات (مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی)» بیان می‌کنند که فمینیسم دارای نحله‌های مختلفی است که با فمینیسم لیبرال شروع شده و به فمینیسم سیاه و اکوفمینیست و پست‌مدرن و حتی فمینیسم اسلامی رسیده است. این

نحله‌های مختلف، در مورد تفاوت و تساوی زن و مرد نیز دیدگاه‌های متفاوتی دارند. ازجمله فمینیسم لیبرال بر برابری زن و مرد، فمینیسم رادیکال بر برتری زن بر مرد و فمینیسم پست‌مدرن بر تفاوت زن و مرد و ویژگی‌های خاص هر یک تأکید دارند. این مقاله با نگاه نقد بیرونی به بررسی مسئله برابری یا تفاوت از منظر آیات قرآن و روایات معصومان (ع) پرداخته و با تمسک به دوازده دسته دلیل نقلی، به تبیین تفاوت زن و مرد از نگاه اسلام پرداخته است و نگاه برابری جنسیتی فمینیستی را از این منظر مردود می‌داند.

نقد محتوایی - ساختاری شاخص‌ها

* دخالت در قوانین و استقلال و قانون اساسی منتخب مردم کشورها

یکی از مواردی که شاخص «زنان، کسب‌وکار و قانون» (۲۰۲۳) بانک جهانی و به‌طور کلی شاخص‌های بین‌المللی دنبال می‌کنند، مداخله در قوانین و استقلال کشورهای جهان است. با مرور درگاه اینترنتی «زنان، کسب‌وکار و قانون» (۲۰۲۳) بانک جهانی و نیز در صفحه اختصاصی کشورهای ارزیابی‌شده در این درگاه اینترنتی، تلاش فراوان این نهاد در راستای اصلاحات قانونی و اجتماعی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و قاره آفریقا مشهود است. اصلاحاتی که بعضاً با قانون اساسی کشورهای هدف مغایرت دارد اما برای جلوگیری از ایجاد فشارهای سیاسی و وضع تحریم‌های اقتصادی، دولت‌های مختلف تن به ایجاد اصلاحات منطبق بر شاخص‌های بین‌المللی داده و با زیر پا گذاشتن استقلال خود و با پذیرش مداخله نهادهای بین‌المللی در مسائل داخلی کشور، اصلاحات مدنظر آنان را انجام می‌دهند.

نکته بعدی پیرامون شاخص «زنان، کسب‌وکار و قانون ۲۰۲۳» بانک جهانی، تلاش و پیگیری اجرای سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد در قالب شاخص‌های کسب‌وکار زنان است. سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در سپتامبر ۲۰۱۵ رهبران کشورهای عضو

سازمان ملل متحد را متعهد می‌کند تا اهداف دستور کار این سند را که نتیجه یک فرایند گسترده مشورتی در سطح جهانی است را در سیاست‌گذاری کلان ملی خود از ابتدای ۲۰۱۶ مدنظر داشته باشند. (سلگی و کریمی، ۱۳۹۹، ۲۸۸) این موضوع سبب می‌گردد تا کشورها مجبور شوند برخلاف قوانین و اهداف خود، پایبند به تعهدات سند ۲۰۳۰ باشند.

در همین زمینه قطعنامه شماره ۲۱۳۱ سازمان ملل متحد با عنوان «اعلامیه راجع به قابل قبول نبودن مداخله در امور ملی کشورها و حمایت از استقلال و حاکمیت آن‌ها» در سال ۱۹۶۵ تصویب شد. در این قطعنامه هر نوع مداخله مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی کشورهای دیگر محکوم گردید و به‌ویژه در آن تصریح گردید که مداخله مسلحانه و هر نوع مداخله یا تهدید علیه شخصیت دولت یا عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محکوم است (صفایی ۱۳۶۷، ۱۵).

پس از آن قطعنامه شماره ۲۶۲۵ مصوب ۱۹۷۰ تحت عنوان «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری بین کشورها برطبق منشور ملل متحد» با متنی تقریباً مشابه قطعنامه قبلی نگارش شد، با این تفاوت که مداخله مسلحانه و هر نوع مداخله دیگر در امور کشورها را «نقض حقوق بین‌الملل» تلقی می‌کند (صفایی ۱۳۶۷، ۱۶). براساس اسناد بین‌المللی، حقوق طبیعی، لایتنیر، غیرقابل انتقال و غیرقابل تجزیه است و مشمول مرور زمان نمی‌گردد و عامه مردم از آن برخوردار بوده و تنها رعایت حقوق دیگران آن را محدود می‌کند. برخلاف حقوق اسلام که مشروعیت خود را از وحی الهی دریافت می‌کند، حقوق بین‌الملل بشر تحت تأثیر مکاتب طبیعی، عقلی و پوزیتیویسم و براساس منافع مشترک و متقابل، همواره مشروعیتش را بر مبنای اراده نمایندگان کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار می‌دهد (شریفیان ۱۳۸۰، ۴۳۷).

در این میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۹ با نفی قاطعانه هرگونه

خداشه به فرهنگ، تحت لوای آزادی، عنوان می‌دارد که «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌ای وارد کند...» و نیز در اصل ۱۵۳ تصریح دارد «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است».

حال در اینجا جا دارد نگاهی به قاعده ارزشمند «نهی سبیل» بیاندازیم و اهم ارتباط این قاعده با مباحث و اهداف مطرح‌شده را در مجال مقاله بیان کنیم. تدوین اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که هرگونه قرارداد منجر به سلطه بیگانه بر شئون کشور را ممنوع می‌داند، ریشه در حکمت قاعده «نهی سبیل» دارد. این قاعده، که مستند مستقیم به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) است، تأکید می‌کند که خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان راه تسلطی قرار نداده است. این آیه، تنها یک گزاره خبری نیست، بلکه بنیانی تکوینی-تشریعی برای تنظیم روابط فردی و اجتماعی امت اسلامی است تا در سایه آن، عزت و استقلال جامعه ایمانی حفظ شود.

با در نظر گرفتن حکمت‌ها و اهداف قاعده نهی سبیل با تمرکز بر حوزه زنان درمی‌یابیم که قواعدی مثل قاعده حفظ هویت و کرامت زن مسلمان که مهم‌ترین حکمت این قاعده، مصون‌سازی هویت فرهنگی و دینی جامعه در برابر تهاجم است؛ در حوزه زنان، در برابر الگوهای وارداتی توسعه و شاخص‌هایی مانند «زن، کسب‌وکار و قانون» بانک جهانی، اغلب با محوریت اومانیسیم سکولار و لیبرالیسم فردگرا طراحی شده‌اند، قرار دارد. این شاخص‌ها، با نادیده گرفتن مبانی اصیل انسان‌شناختی اسلام در مورد زن، خانواده و تفاوت‌های تکوینی، عملاً در پی ایجاد «سبیل» برای سلطه بر گفتمان حقوق زن و تحمیل

الگویی تساوی‌ساز هستند. قاعده نفی سبیل با هوشیاری در برابر این مداخله‌ها می‌ایستد تا زن مسلمان نه به‌عنوان «ابژه» ای در نظم لیبرال-کاپیتالیستی، بلکه به‌عنوان «سوژه متعهد و فعال در چهارچوب ارزشی خود تعریف شود (مطهری ۱۳۵۷).

قاعده دیگر در این زمینه، قاعده ایجاد بستر امن برای نقش‌آفرینی اصیل زن است. سلطه بیگانه، همواره با ناامنی فرهنگی و هویتی همراه بوده و قاعده نفی سبیل با دفاع از حریم فرهنگی جامعه، فضایی امن و به دور از اغتشاش ایجاد می‌کند تا زنان بتوانند براساس فطرت و ارزش‌های حقیقی خود، نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خویش را ایفا کنند. در چنین فضایی است که زن می‌تواند هم‌زمان «مادر»، «همسر» و «فعال اقتصادی» باشد، بدون اینکه مجبور شود برای موفقیت، هویت دینی و ارزشی خود را به حاشیه براند یا در معرض کالایی شدن قرار گیرد. این نگاه، در تقابل با الگویی است که با شعار برابری صوری، زن را به رقابتی نفس‌گیر با مرد واداشته و آرامش و امنیت روانی او را سلب می‌کند (حکیمی ۱۳۸۰، ج ۶؛ باب حقوق المرأة و وجوب حفظ کرامتها).

بنابراین، اصل ۱۵۳ قانون اساسی و قاعده نفی سبیل پشتیبان آن، نه یک موضع دفاعی منفعلانه، بلکه یک استراتژی هوشمندانه و فعال برای نفی سلطه‌پذیری و اثبات استقلال تمدنی است. این مبنا، به کشورهای اسلامی این حق را می‌دهد که با اتکا به میراث غنی فقهی و فرهنگی خود، شاخص‌ها و مدل‌هایی را طراحی کنند که همسو با حکمت‌های تشریعی اسلام، هم‌زمان به تأمین امنیت، کرامت و فرصت‌های عادلانه برای بانوان پرداخته و از آنان در برابر پیامدهای مخرب جهانی‌سازی لیبرالی محافظت نماید.

به‌طورکلی در مواجهه با شاخص‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی، طبق حدیث شریفی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده، «الإسلامُ یعلو ولا یُعلیٰ علیه» (صندوق ۱۴۰۶، ج ۴: ۳۳۴)، هرگونه پذیرش و التزام به اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی، باید به‌نحوی باشد که منجر به

سلطه غیرمسلمانان بر ساختار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی نگردد (افشار و موحدی‌نیا ۱۴۰۰، ۲۴۳). این روایت یعنی در جریان عمل برتری با اسلام است، برای اینکه قانون اسلام از هر قانون دیگری بر نیازهای بشر منطبق‌تر است و لذا راه خودش را عملاً بهتر باز می‌کند (مطهری ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۹۸).

* عدم توجه به آداب، فرهنگ، سنت، بوم و خواست مردم به‌ویژه زنان هر منطقه در گزارش شاخص «زنان، کسب و کار و قانون» (۲۰۲۳) بانک جهانی، تصریح شده است که داده‌های این شاخص صرفاً بر پایه قوانین مدون رسمی کشورها گردآوری می‌شود و در برخی نظام‌های حقوقی عرفی، تنها سوابق حقوقی مکتوب مورد توجه قرار می‌گیرد. براین اساس، رویه‌های دینی، عرفی و فرهنگی که در قالب قانون رسمی تدوین نشده‌اند، در ارزیابی شاخص لحاظ نمی‌شوند. همچنین هنجارهای نانوشته اجتماعی و فرهنگی، با وجود تأثیر گسترده‌ای که می‌توانند بر زیست اقتصادی و اجتماعی زنان داشته باشند، به‌طور کامل از فرآیند سنجش کنار گذاشته شده‌اند. منطق حاکم بر این رویکرد آن است که وجود یک قانون مدون، شرط لازم برای ارزیابی وضعیت حقوقی زنان تلقی می‌شود؛ چراکه قانون، برخلاف فرهنگ و عرف، امری است که سیاست‌گذاران امکان مداخله و اصلاح آن را دارند. این رویکرد، عملاً به معنای نادیده‌انگاشتن نقش فرهنگ، سنت، دین، آیین‌ها و حتی اراده و خواست عمومی جوامع در ارزیابی وضعیت زنان است و چنین مؤلفه‌هایی فاقد اعتبار تحلیلی در چهارچوب این شاخص تلقی می‌شوند. این درحالی است که بسیاری از آداب و رسوم محلی، سبک‌های زندگی بومی و نظام‌های ارزشی دینی، حاصل قرن‌ها تجربه زیسته جوامع انسانی بوده و در عمل کارآمدی خود را در تنظیم روابط اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی به اثبات رسانده‌اند. با وجود این، براساس منطق شاخص «زنان، کسب و کار و قانون»، این مؤلفه‌ها باید کنار گذاشته شوند و کشورها صرفاً در مسیر اصلاحات حقوقی

همسو با الگوی مطلوب یک نهاد بین‌المللی حرکت کنند، بی‌آنکه برتری نظری، کارآمدی اجتماعی و پیامدهای فرهنگی این الگوها برای جوامع مختلف به‌طور مستقل و انتقادی مورد سنجش قرار گرفته باشد. چنین رویکردی می‌تواند به اتخاذ اصلاحات عمیق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منجر شود که نه از دل نیازهای بومی جوامع، بلکه براساس معیارهای برون‌زا و جهان‌شمول‌انگار طراحی شده‌اند.

برای مثال، زیرشاخص «آیا قانون برای کار با ارزش برابر، دستمزد مساوی را تعیین کرده است؟»، در جوامعی که تکلیف و توافق اجتماعی بر آن است که در تقسیم کار امور خانواده، تأمین معاش بر عهده مرد خانواده باشد، تساوی دستمزد بین سرپرست و مسئول خانواده با فردی که فاقد این مسئولیت است امری دارای ارزش و امتیاز محسوب نمی‌شود.

مثال بعدی دربارهٔ دو زیرشاخص است: «آیا زن می‌تواند مانند مرد در شغلی که خطرناک تلقی می‌شود کار کند؟» (مشاغلی که خطرناک تلقی می‌شوند، مشاغل سخت تلقی می‌شوند. این مشاغل از نظر اخلاقی نامناسب تلقی می‌شوند) و «آیا زن می‌تواند مانند مرد در شب کار کند؟» در جوامع خانواده‌محور که نقش «مادری» دارای اصالت است، حضور زن برای تکالیف اقتصادی و تأمین معاش در شب، خارج از خانه و حتی مشاغل ناامن و خطرناک از لحاظ اخلاقی و یا سختی کار، امری ضدارزش محسوب می‌شود که حتی خود بانوان مایل به انجام آن نیستند در حالی که اگر کشورها می‌خواهند از گزند آسیب‌های حضور در رتبه‌های پایین شاخص در امان بمانند باید اصلاحات ضدارزشی را در کشور خود اعمال نمایند.

حال شایسته است که واکاوی مفهومی پیرامون «مشاغل ناامن و خطرناک» از منظر مکتب اخلاقی اسلام و نسبت آن با کرامت زن داشته باشیم تا در نهایت رأی صحیح‌تری در این رابطه ارائه دهیم.

در جامعه خانواده‌محور و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، مفهوم «امنیت شغلی» برای زنان، فراتر از شاخص‌های فیزیکی صرف (مانند محیط کار بی‌خطر) تعریف شده و به‌طور خاص، «امنیت اخلاقی و روانی-هویتی» را به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در بر می‌گیرد. از این منظر، «مشاغل ناامن و خطرناک از لحاظ اخلاقی» به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که به دلیل ماهیت، محیط یا شرایط اجرا، یکی از ابعاد زیر را تهدید می‌کند: براساس مبانی انسان‌شناختی اسلام، «عفت» به‌عنوان یک فضیلت نفسانی و سرمایه اجتماعی، نقشی محوری در سلامت فرد و جامعه ایفا می‌کند. مشاغلی که مستلزم اختلاط بی‌ضابطه با نامحرم، بهره‌گیری از جذابیت‌های جنسیتی برای بازاریابی یا فروش (مانند برخی مدلینگ‌ها یا میزبانی در اماکن نامتناسب)، یا حضور در محیط‌های کاری فاقد حریم‌های اخلاقی لازم هستند، در زمره مشاغل ناامن قرار می‌گیرند. دلیل این حکم، نه نگاه منفی به حضور اجتماعی زن، بلکه حکمت «صیانت از کرامت انسانی» و جلوگیری از «کالایی شدن زن»^۱ است. قرآن کریم با خطاب «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۱) تأکید می‌کند که حفظ حریم، مقدمه احترام به شخصیت زن و عاملی برای امنیت مهم روانی او در عرصه عمومی است (مطهری ۱۳۵۷).

مکتب اخلاقی اسلام با نگاهی جامع به شخصیت زن، اشتغال را ذیل مجموعه زنجیره‌وار و متناسب نقش‌های او (همسر، مادر، عضو فعال جامعه) تعریف می‌کند. بنابراین، مشاغلی که به دلیل ساعت کاری طاقت‌فرسا (به‌ویژه در شب)، استرس روانی بسیار بالا، یا ماهیتی که با فطرت لطیف زنانه در تضاد است (مانند برخی مشاغل بسیار خشن یا خطرناک)، تعادل زندگی او را بر هم زده و «کارکردهای اصیل خانواده» را مختل می‌کنند، ناامن تلقی می‌شوند. این نگاه، در حقیقت، با مفهوم «تعادل نقش‌ها»^۲ در

1. Commodification of Women.

2. Role Balance.

روان‌شناسی امروز همسوست. امام خمینی (ره) در این زمینه تصریح می‌کنند: «زن یک وقتی انسان‌ساز است... اگر نقش او در خانواده مخدوش شود، اساس جامعه متزلزل می‌شود» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۷: ۱۲۸).

در زمینه نقد این شاخص پیرامون عدم توجه به آداب، فرهنگ، سنت، بوم و خواست مردم به‌ویژه زنان هر منطقه، اسناد بین‌المللی نیز وجود دارد که آن را نهی نموده است. بعد از جنگ جهانی دوم، رسمی‌ترین متنی که این اصل را در خود گنجانده، بند ۲ از ماده ۱ «منشور ملل متحد» است که اصل مزبور را از جمله اهداف «سازمان ملل متحد» تلقی کرده، از آن چنین یاد کرده است: «توسعه روابط دوستانه میان ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق مردم و حق ایشان در تعیین سرنوشتشان...». بند ۲ ماده ۱ منشور، توسعه روابط ملت‌ها براساس تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت مردم را یکی از اهداف منشور ملل متحد یاد می‌کند. ماده ۵ منشور نیز مجدداً بر همین مطلب به‌عنوان تعهدی الزام‌آور برای کشورها تصریح دارد. تصریحات دیگری در ارتباط با این مفهوم در بندهای مواد ۷۳ و ۷۶ منشور مشاهده می‌شود. هر چند اشارات به عمل آمده در منشور به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها بسیار کلی بوده و فاقد تعریف و حدود و ثغور معین است، لیکن تحولات متعاقب در نظریه و همچنین در رویه سازمان ملل و کشورها تا حدی به این مفهوم معنی بخشید، چنانکه در عمل نیز به اصل تعیین سرنوشت به‌عنوان مبنای حقوقی استعمارزدایی و مقابله با تبعیض نژادی مورد استناد قرار گرفته است. ازجمله این تحولات می‌توان از قطعنامه‌های متعدد که توسط مجمع عمومی و شورای امنیت در ارتباط با استعمارزدایی و همچنین بیان اصول حقوق بین‌الملل صادر شده و معاهداتی که در آن اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها مورد تأیید و تصریح واقع شده است، نام برد (امیدی ۱۳۸۷، ۶).

به‌عنوان مثال در کشور جمهوری اسلامی ایران، براساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار

در سال ۱۴۰۰ مرکز ملی آمار ایران، بیش از ۲۲ میلیون بانوی ایرانی از جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر غیرشاغل، علت عدم جست‌وجوی کار خود را «مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی» اعلام نمودند که حدود ۸۰ درصد از سهم علت عدم جست‌وجوی کار توسط بانوان را به خود اختصاص داده است. بنابراین دو زیرشاخص مورد بحث هیچ‌سختی با خواست عمومی بانوان جامعه ایران، فرهنگ و آداب و سنن کشور ندارد و فاقد وجهت ارزیابی است و هرگونه اصلاحات فرهنگی و اجتماعی سبب کاهش استحکام بنیان خانواده می‌شود.

جدول (۱): جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر غیرشاغل

برحسب جنس به تفکیک علت عدم جست‌وجوی کار - مرکز آمار ایران

جمع			علت عدم جستجوی کار
زن	مرد	مرد و زن	
۲۸۰۳۸۶۳۴	۱۱۵۷۹۶۸۵	۳۹۶۱۸۳۱۹	جمع
۵۵۲۸	۳۲۸۵۰	۳۸۳۷۸	آغاز کار در آینده (انتظار برای شروع کار جدید)
۹۹۱۵	۳۱۸۹۱	۴۱۸۰۶	در انتظار بازگشت به شغل قبلی
۸۵۱۷	۱۵۶۲۰	۲۴۱۳۷	در انتظار پاسخ کارفرما یا در انتظار اعلام نتایج آزمون
۱۷۹۸۹	۵۴۵۰۷	۷۲۴۹۶	در انتظار به ثمر رسیدن اقدامات انجام شده برای پیدا کردن کار
۲۳۶۲۱۷۱	۲۸۳۲۱۷	۵۱۹۳۸۸	دلسرد شدن از جستجوی کار، ناامید شدن از پیدا کردن کار
۲۴۶۲۸	۸۲۶۴۷	۱۰۷۲۷۵	در انتظار فصل کاری
۵۴۱۹۷	۳۷۲۴۵	۹۱۴۴۲	آگاهی نداشتن از روش‌های جستجوی کار
۶۱۷۶۴۰	۱۲۴۰۳۰۱	۱۸۵۷۹۴۲	بیماری، ناتوانی جسمی موقت، بارداری
۳۰۶۹۶۸۳	۳۲۸۲۳۵۸	۶۳۵۲۰۴۱	اشتغال به تحصیل یا آموزش
۲۲۲۵۶۸۵۰	۲۲۹۱۱۵	۲۲۴۸۵۹۶۵	مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی
۴۱۴۵۳۸	۳۱۸۸۳۷۰	۳۶۰۲۹۰۸	بی‌نیاز بودن از انجام کار
۱۳۲۲۹۷۹	۳۱۰۱۵۶۴	۴۴۲۴۵۴۳	سایر

درنهایت می‌توان با عقلی سلیم اذعان داشت تمایز کلیدی رویکرد اسلامی در مقایسه با نگاه سکولار به اشتغال زنان، در اولویت‌دهی به «کیفیت حضور» بر «کمیت حضور» است. این مدل با محور قرار دادن «کرامت ذاتی زن» و «مصلحت خانواده»، در پی آن است تا از زن در برابر ابزارشدگی در چرخه تولید سرمایه‌محور محافظت کند، تعادل میان نقش‌های متعدد زن را به‌عنوان یک ارزش به رسمیت بشناسد و همچنین با ایجاد فضاها و مشاغل ایمن و متناسب با شأن زن (مانند آموزش، سلامت و خدمات فرهنگی زن‌محور)، بستر یک نقش‌آفرینی اصیل و عاری از اضطراب را فراهم آورد. درنتیجه، عدم تمایل بسیاری از زنان در جوامع خانواده‌محور به چنین مشاغلی را نمی‌توان به حساب «عقب‌ماندگی» گذاشت، بلکه باید آن را انتخابی آگاهانه و مبتنی بر یک سلسله‌مراتب ارزشی عمیق دانست که امنیت اخلاقی و روانی را شرط لازم برای هرگونه فعالیت اقتصادی می‌داند.

* الحادی و ضدشریعت‌بودن شاخص‌ها

از ۳۵ زیرشاخص ذیل ۸ شاخص اصلی، ۱۵ زیرشاخص صراحتاً نقض قوانین الهی موجود در اسلام و قرآن کریم هستند. این یعنی بیش از ۴۰ درصد از شاخص‌ها کاملاً الحادی، ضد شریعت و برخلاف اصول علمی و دستورات الهی است و صلاحیتی برای سنجش کشورها و جوامع پای‌بند به مبانی دینی را ندارد و نمی‌توان کشورها را با شاخص‌های الحادی سنجید و اراده انسانی را بر اراده الهی غالب کرد.

ذیل شاخص دارایی‌ها، زیرشاخص‌های «آیا زن و مرد از حقوق مالکیت مساوی بر اموال غیر منقول برخوردارند؟»، «آیا پسران و دختران دارای حقوق مساوی برای ارث‌بردن دارایی از والدین خود هستند؟»، «آیا همسران زن و مرد از حقوق مساوی برای ارث‌بردن دارایی برخوردارند؟»، «آیا قانون به همسران اختیارات اداری یکسانی بر دارایی در دوران ازدواج می‌دهد؟» که بر اصل برابری جنسیتی در «ارث» و «حقوق مالکیت» هستند مورد نقد اسلام است که مبنای متفاوتی را دنبال می‌کند.

برای رد این مؤلفه به عنوان مثال، برای تبیین مبانی تفاوت های زن و مرد در حق مالی «ارث»، شایسته است ابتدا خاستگاه اصلی تفاوت زن و مرد در حوزه تکالیف و حقوق فردی و اجتماعی بررسی گردد، سپس مبانی اختلاف مالی آن دو در باب ارث واکاوی شود. ضرورت بررسی مذکور بر این اساس است که اشتراکات و اختلافات زن و مرد در دو حوزه تکوین و تشریع مطرح می شود؛ همان گونه که وجوه اشتراک تکوینی زن و مرد زمینه ساز اشتراکات تشریعی آن دو می شود، وجوه افتراق تکوینی آن ها نیز منشأ یک سلسله تفاوت های تشریعی در حقوق و تکالیف آن ها می گردد. از این رو تفاوت سهم ارث زن و مرد ریشه در تفاوت های تکوینی آن دو دارد. روشن است که وجود تفاوت های تکوینی و تشریعی برای شکل گیری و تداوم حیات اجتماعی انسان ها، اعم از زن و مرد، ضروری است (مصطفوی نیا و بصارتی ۱۳۹۲، ۸۳).

برای واکاوی عالمانه تفاوت سهم الارث زن و مرد در اسلام، ضروری است این مسئله نه صرفاً به عنوان قاعده ای مجرّد، بلکه به عنوان جزئی از «نظام حقوقی-تکلیفی متعادل و به هم پیوسته» نگاه شود که بر اساس «حکمت تکوینی» و «عدالت همه جانبه نگر» استوار گردیده است. در این منظومه، حقوق و تکالیف زن و مرد در یک کلیت نظام مند و مبتنی بر تفاوت های طبیعی (تکوینی) آنان تعریف شده است. در واقع سهم بیشتر مرد از ارث، در حقیقت «منبع مالی» برای ایفای همان مسئولیت های سنگینی است که شریعت بر عهده او نهاده است. این حکم، از تحمیل فشار مالی غیر منطقی به مرد جلوگیری می کند و سهم ارث زن به عنوان «دارایی خالص و بدون تعهد» به حساب می آید. این دارایی، در کنار مهریه و نفقه، یک «صندوق پس انداز امن» را برای او تشکیل می دهد تا بدون دغدغه هزینه های جاری، برای آینده خود سرمایه گذاری کند. بر این اساس عدالت واقعی در این است که هرکس به تناسب مسئولیت هایی که بر عهده دارد، از امکانات مالی بیشتری نیز برخوردار باشد. اگر مجموع حقوق و تکالیف مالی هر دو جنس در نظر گرفته شود، روشن خواهد شد

که سیستم اقتصادی اسلام به گونه‌ای طراحی شده که در نهایت، بار مالی کلی زندگی به طور عادلانه‌تری توزیع گردد و زن از امنیت و آرامش روانی بیشتری برخوردار شود و تساوی و برابری جنسیتی در اینجا ظلم به زن می‌باشد.

همچنین در شاخص بعدی، پرداخت، زیرشاخص «آیا زن می‌تواند مانند مرد در شغلی که خطرناک تلقی می‌شود (مشاغل نامناسب اخلاقی و مشاغل سخت صنعتی و معدنی)، کار کند؟»، مغایر با نگاه ناب اسلام درباره نقش‌آفرینی زن و انتظارات از فعالیت او می‌باشد. حدیث شریف «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» در نهج البلاغه، نامه ۳۱ نقل گردیده است و امیرالمؤمنین در این نامه اشاره می‌دارند که «کاری را که برون از توان اوست، به او مسپار، زیرا زن، چون گل ظریف است، نه پهلوان خشن»؛ و با این دیدگاه، مشاغل سخت و خطرناک برای بانوان با نگاه اسلام مغایرت دارد.

اسلام با به رسمیت شناختن تفاوت میان زن و مرد در حیطه‌های انسانی و اجتماعی، تمایزات نقش‌ها را مبتنی بر ویژگی‌های روان‌شناختی و تفاوت‌های جسمی دو جنس تبیین می‌نماید. این تقسیم وظایف نه به مثابه تبعیض، بلکه در جهت تکمیل ویژگی‌های فطری و همسویی با هویت طبیعی زن تلقی می‌گردد. براین اساس، نوع وظایف محوله به زنان باتوجه به ظرفیت‌های عاطفی و روانی ایشان تعیین شده و احترام به این ویژگی‌ها موجب تأمین آرامش و حفظ کرامت آنان می‌شود. در این پارادایم، زن در قرآن هم‌تراز با زن در طبیعت تصویر شده و احکام اسلامی ناظر بر حفظ تمامیت وجودی او بدون تحمیل تکالیف فوق طاقتمی‌باشد (میرباقری و سیدرضا ۱۳۹۲، ۴۴).

البته لازم به ذکر است که اسلام نسبت به اشتغال زنان دید منفی ندارد و کار و تلاش اقتصادی را در خانه یا در بیرون از خانه برای زن ممنوع نکرده است.^۱ اگر آیه شریفه «وَلَا تَأْكُلُوا

۱. در بخش آخر مقاله و در تبیین مفهوم الگوی سوم زن به این موضوع بیشتر پرداخته خواهد شد.

اموالکم بینکم بالباطل» (بقره: ۱۸۸)، از برخی از معاملات نهی کرده و آن را باطل دانسته، برای همه است و تفاوتی میان زن و مرد نیست. جنسیت در هیچ‌یک از انواع معاملات و تجارتات، دخالت ندارد. این‌گونه نیست که زن به دلیل جنسیت، از برخی از معاملات ممنوع، و مرد مجاز باشد. به همین سبب می‌بینیم در کتاب‌های فقهی، زنان از تجارت یا قراردادی استثناء نشده یا از اختیار شغل خاصی منع نگردیده‌اند (طاهری‌نیا ۱۳۸۳، ۷۸).

در شاخص «ازدواج»، تمام زیرشاخص‌های «آیا قانون فاقد مقررات قانونی است که زن متأهل را ملزم به اطاعت از شوهر کند؟»، «آیا زن می‌تواند مانند مرد "سرپرست" یا "سرپرست خانواده" باشد؟»، «آیا زن می‌تواند مانند مرد حکم طلاق بگیرد؟» و «آیا زن به اندازه مرد حق ازدواج مجدد دارد؟» با مبانی اسلامی که متکی بر لزوم اذن شوهر برای همسر بر پایه آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) و سایر قواعد دینی است، مغایرت دارد.

در شاخص «تحرک» نیز، زیرشاخص‌های «آیا یک زن می‌تواند مانند یک مرد، محل زندگی خود را انتخاب کند؟»، «آیا زن می‌تواند مانند مرد به خارج از خانه سفر کند؟»، «آیا زن می‌تواند مانند مرد برای پاسپورت اقدام کند؟» و «آیا زن می‌تواند مانند مرد به خارج از کشور سفر کند؟» با مبانی اسلامی که متکی بر لزوم اذن شوهر برای همسر بر پایه آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) و سایر قواعد دینی است، مغایرت دارد.

همچنین در شاخص «کارآفرینی»، زیرشاخص‌های «آیا زن می‌تواند مانند مرد قرارداد ببندد؟» و «آیا زن می‌تواند مانند مرد کسب‌وکار ثبت کند؟» با مبانی اسلامی که متکی بر لزوم اذن شوهر برای همسر بر پایه آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) و سایر قواعد دینی است، مغایرت دارد.

در تحلیل فلسفه لزوم اذن شوهر در چهارچوب نظام حقوقی خانواده در اسلام، این حکم نه به مثابه محدودیت خودسرانه، بلکه در چهارچوب مدیریت واحد خانواده و تقسیم

کار مبتنی بر حکمت تبیین می‌گردد. این رویکرد با سه کارکرد اصلی توجیه می‌شود: نخست، حفظ انسجام نهاد خانواده از طریق سپردن مدیریت نهایی به مرد که در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و تفسیر آن به سرپرستی توأم با تدبیر تصریح شده است و علامه طباطبایی در المیزان توضیح می‌دهد که «قوامون» به معنای سرپرستی توأم با تدبیر و اصلاح است، نه استبداد (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۴: ۵۴۳) که این مدیریت، ضامن بقا و انسجام نهاد خانواده است؛ دوم، جلوگیری از تعارض نقش‌ها و تضاد منافع مبتنی بر نظریه تعادل نقش در روان‌شناسی خانواده؛ و سوم، تأمین امنیت اقتصادی خانواده در برابر تصمیم‌های پرخطر. قلمرو این اذن نیز محدود و مشخص است و تنها شامل خروج برای امور غیرضروری یا اشتغال در موارد مغایر با حقوق زناشویی می‌شود، درحالی‌که امور ضروری، شرعی و متعارف مستثنی هستند.

از منظر فقهی-حقوقی اسلام‌پژوهان برجسته تأکید می‌کنند که این احکام، «ضامن کرامت زن» و نه ناقض آن است. به گفته آیت‌الله جوادی آملی: «اذن گرفتن زن از شوهر در این موارد، نه توهین به زن است و نه تحقیر او، بلکه تنظیم رابطه زن و شوهر براساس حکمت و مصلحت خانواده است» (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۲۳۴). قاعده اولیه در فقه امامیه، استقلال کامل مالی زنان و اهلیت تصرف در اموال خویش است. لزوم اذن شوهر دارای محدوده مشخص و استثنائات متعدد است و بنابراین بستن هرگونه قرارداد تجاری و ثبت کسب‌وکار توسط زنان، نیازمند اذن شوهر نیست. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان معتقد است که قیومیت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است بکند، و معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او، و دفاع از منافعش را سلب کند، پس زن هم‌چنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند، و هم می‌تواند از آن دفاع

نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند متوسل شود (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۴: ۵۴۴).

* روش جمع‌آوری داده غیرمتناسب

در پایگاه اطلاع‌رسانی شاخص «زنان، تجارت و قانون» ذکر شده است که «تیم زنان، تجارت و قانون پس از مشاوره‌های گسترده با کارشناسان جنسیتی، دانشگاهیان، نمایندگان جامعه مدنی و همکاران در گروه بانک جهانی، پرسشنامه‌هایی را طراحی می‌کند که برای نمونه بزرگی از وکلا، قضات، دانشگاهیان و اعضای جامعه مدنی اجرا می‌شود. سازمان‌ها در ۱۹۰ کشور - که پرسشنامه‌ها را به‌صورت رایگان تکمیل می‌کنند - با تخصص آن‌ها در زمینه‌های مختلف حقوقی، تحت پوشش گزارش شناسایی می‌شوند». همچنین اشاره می‌کند که «این تیم بیشتر از طریق تماس‌های کنفرانسی، مکاتبات کتبی و جلسات حضوری در بازدید از کشور با کارشناسان درگیر می‌شود. سپس تمام پاسخ‌های پرسشنامه تحلیل می‌شوند و هر پاسخ با منبع قانونی اولیه مربوطه تأیید می‌شود. درنهایت، داده‌ها تحت یک فرآیند بررسی داخلی کامل قرار می‌گیرند که در آن نظرات درباره داده‌ها از سراسر گروه بانک جهانی دریافت می‌شود».

این فرایند نشان می‌دهد که روش گردآوری داده‌ها در این شاخص، داده‌محور نیست و صرفاً به نظرات یک جامعه آماری محدود و غیرمتخصص و بدون الزامی بر آگاهی از وضعیت سایر کشورها گردآوری می‌گردد و نتایج آن قابل اتکا نمی‌باشد. افرادی که پرسشنامه‌ها را پر می‌کنند، درحالی نتایج شاخص را رقم می‌زنند که میزان اطلاعات، تخصص و آگاهی آنان نسبت به مجموعه پرسش‌های شاخص و وضعیت هر یک از ۳۵ شاخص در میان کشورهای هدف نامعلوم است و در این صورت استناد به نتایج آن هیچ سندیتی ایجاد نمی‌نماید.

* نامعتبر بودن اطلاعات و گزاره‌های اشتباه در ارزیابی شاخص‌ها

با بررسی جدول ارزیابی، وضعیت جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های «زنان، کسب‌وکار و قانون» (۲۰۲۳) مشخص می‌گردد که از ۳۵ زیرشاخص ذیل، ۸ شاخص اصلی منتشر شده که کشورها را مطابق آن مورد ارزیابی قرار داده‌اند، ۱۶ زیرشاخص با عبارت «No applicable provisions could be located» به معنای «هیچ مقررات قابل اجرایی یافت نشد» قرار گرفته است یعنی بدون دستیابی به هیچ قانونی در جمهوری اسلامی ایران مورد قضاوت قرار گرفته و نمره منفی دریافت نمودند. این یعنی ۴۶ درصد از شاخص‌ها هیچ‌گونه صلاحیتی برای بررسی درباره کشور ایران را ندارند. همچنین ۱۲ زیرشاخص یعنی ۳۵ درصد نیز روایت معکوس از ایران داشته به این معنی که در نهایت پاسخ شاخص با واقعیت قوانین کشور هم‌خوانی ندارد.

	QUESTION	ANSWER	LEGAL BASIS
Mobility	Can a woman choose where to live in the same way as a man?	No	Civil Code, Arts. 1005 and 1114
	Can a woman travel outside her home in the same way as a man?	No	Civil Code, Art. 1108
	Can a woman apply for a passport in the same way as a man?	No	Passport Law, Art. 18(3); Passport Application Form
	Can a woman travel outside the country in the same way as a man?	No	Civil Code, Art. 1108; Passport Law, Art. 18(3)
Workplaces	Can a woman get a job in the same way as a man?	No	Civil Code, Art. 1117
	Does the law prohibit discrimination in employment based on gender?	No	No applicable provisions could be located
	Is there legislation on sexual harassment in employment?	No	No applicable provisions could be located
	Are there criminal penalties or civil remedies for sexual harassment in employment?	No	Criminal: No applicable provisions could be located Civil: No applicable provisions could be located
Pay	Does the law mandate equal remuneration for work of equal value?	No	No applicable provisions could be located
	Can a woman work at night in the same way as a man?	Yes	No restrictions could be located
	Can a woman work in a job deemed dangerous in the same way as a man?	No	Labor Code of 1990, Art. 75
	Can a woman work in an industrial job in the same way as a man?	Yes	No restrictions could be located
Marriage	Is the law free of legal provisions that require a married woman to obey her husband?	No	Civil Code, Arts. 1108 and 1109
	Can a woman be head of household in the same way as a man?	No	Civil Code, Art. 1105
	Is there legislation specifically addressing domestic violence?	No	No applicable provisions could be located
	Can a woman obtain a judgment of divorce in the same way as a man?	No	Civil Code, Arts. 1120, 1133 and 1146
Parental	Does a woman have the same rights to remarry as a man?	No	Civil Code, Arts. 1150-1157
	Is paid leave of at least 14 weeks available to mothers?	Yes	Population and Family Regulation Amendments Act 2013, Art. 1
	Does the government pay 100% of maternity leave benefits?	Yes	Social Security Law of 1975, Arts. 57 and 58
	Is paid leave available to fathers?	Yes	Population and Family Regulation Amendments Act 2013, Art. 1
Parental	Is there paid parental leave?	No	No applicable provisions could be located
	Is dismissal of pregnant workers prohibited?	No	No applicable provisions could be located
	Does the law prohibit discrimination in access to credit based on gender?	No	No applicable provisions could be located
	Can a woman sign a contract in the same way as a man?	Yes	No restrictions could be located
Business	Can a woman register a business in the same way as a man?	Yes	No restrictions could be located
	Can a woman open a bank account in the same way as a man?	Yes	No restrictions could be located
	Do men and women have equal ownership rights to immovable property?	Yes	Civil Code, Art. 1118
	Do sons and daughters have equal rights to inherit assets from their parents?	No	Civil Code, Art. 907
Assets	Do female and male surviving spouses have equal rights to inherit assets?	No	Civil Code, Arts. 899 and 900
	Does the law grant spouses equal administrative authority over assets during marriage?	Yes	Civil Code, Art. 1118
	Does the law provide for the valuation of nonmonetary contributions?	No	No applicable provisions could be located
	Is the age at which men and women can retire with full pension benefits the same?	No	Social Security Law of 1975, Art. 76
Pension	Is the age at which men and women can retire with partial pension benefits the same?	Yes	No applicable provisions could be located
	Is the mandatory retirement age for men and women the same?	No	Labor Code of 1990, Sec. 21(b); Social Security Law of 1975, Art. 76
	Are periods of absence due to childcare accounted for in pension benefits?	No	No applicable provisions could be located
		No	No applicable provisions could be located

تصویر (۱): جدول ارزیابی وضعیت ایران در شاخص‌های زنان، کسب‌وکار و قانون ۲۰۲۳

* مبنا قرار گرفتن برابری جنسیتی زن و مرد

بانک جهانی در شاخص «زن، کسب و کار و قانون» (۲۰۲۳) نقطه ثقل فعالیت خود را بر مبنای «برابری جنسیتی»^۱ قرار داده و در این زمینه تصریح بر آن دارد که «وقتی جوامع به برابری جنسیتی دست می‌یابند، اقتصادها انعطاف‌پذیرتر می‌شوند». این درحالی است که دین اسلام در این زمینه قائل به «عدالت جنسیتی» در مقابل «برابری جنسیتی» می‌باشد. عدم تشابه زن و مرد، لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی است تا تساوی به معنای رعایت حقوق هر انسانی بنابر مقتضیات طبیعت، ظرفیت، استعداد و استحقاق آن و تعادل در نظام اجتماعی معنای اصلی خویش را بازیابد تا «عدالت جنسیتی» براساس آن مبانی چون مبنای طبیعی، فطری، مصلحت، مفسده، حکمت و علت احکام الهی تفسیر و تبیین گردد (رودگر ۱۳۸۸، ۶۹).

واقع این است که اسلام در حوزه روابط جنسیتی، قائل به «عدالت جنسیتی»^۲ به عنوان امری متعالی و متمایز از «برابری جنسیتی» است. برابری جنسیتی که خاستگاه آن اومانیزم و لیبرالیسم غربی است، بر «یکسان‌سازی حقوق و تکالیف» بدون توجه به تفاوت‌های تکوینی و نقش‌های طبیعی تأکید دارد. در مقابل، عدالت جنسیتی در اسلام به معنای «رعایت حقوق هر انسانی بنابر مقتضیات طبیعت، ظرفیت، استعداد و استحقاق آن» است تا تعادل در نظام اجتماعی محقق گردد. این نگاه، ریشه در مبانی مستحکم عقلی و نقلی دارد.

اسلام با پذیرش این واقعیت‌های تکوینی، به دنبال تحقق «برابری در کرامت انسانی» و نه «تشابه در موقعیت‌های اجتماعی» است. استاد مرتضی مطهری به درستی تأکید می‌کند: «اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، اما با تشابه حقوق زن و مرد مخالف

1. Gender Equality.

2. Gender Justice.

است. تساوی به معنای برابری در ارزش انسانی است و تشابه به معنای یکسان بودن است. عدالت یعنی قراردادن هر چیز در جایگاه مناسب خودش» (مطهری، ۱۳۵۷: ۷۸).

آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) به وضوح مبانی عدالت جنسیتی را تبیین کرده‌اند:

- برابری در گوهر انسانی و کرامت: قرآن به صراحت منشأ خلقت زن و مرد را یکی دانسته و ملاک برتری را تقوا می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳). این آیه به وضوح هرگونه برتری جویی نژادی و جنسیتی را نفی می‌کند.

- تکامل‌پذیری یکسان: قرآن برای هر دو جنس مسیر یکسان تکامل معنوی و قرب به خداوند را ترسیم می‌کند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷).

- تفاوت در حقوق و تکالیف براساس حکمت: قرآن با پذیرش تفاوت‌ها، قوانین متفاوتی را در برخی حوزه‌ها وضع می‌کند: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸). علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل این آیه توضیح می‌دهد که این «درجه»، به معنای برتری ذاتی نیست، بلکه ناشی از «مسئولیت‌های اضافی مالی و مدیریتی» مرد در خانواده است که شریعت بر عهده او نهاده است (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۷). این دقیقاً تجلّی عدالت است؛ زیرا حقوق و تکالیف به صورت متعادل و متناسب تقسیم شده است.

تفاوت در حقوق زن و مرد به تفاوت ذاتی آن‌ها باز می‌گردد و به هیچ وجه تبعیض نیست. شهید مطهری (ره) نیز در این زمینه بیان می‌دارند که «آنچه در خلقت وجود دارد تفاوت است نه تبعیض و راز این تفاوت، یک کلمه است، تفاوت موجودات، ذاتی آن‌ها

است و لازمه نظام علت و معلول». ایشان ادامه می‌دهند که «زن اگر بخواهد حقوقی مساوی حقوق مرد و سعادتی مساوی سعادت مرد پیدا کند راه منحصرش این است که مشابهت حقوقی را از میان بردارد؛ برای مرد حقوقی متناسب با مرد و برای خودش حقوقی متناسب با خودش قائل شود. در حدودی که طبیعت زن و مرد را در وضع نامشابهی قرار داده است، هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق می‌کند و هم سعادت خانوادگی را بهتر تأمین می‌نماید و هم اجتماع را بهتر به سمت رشد و پیشرفت می‌برد. کاملاً توجه داشته باشید ما مدعی هستیم که لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد، عدم تشابه آنها در پاره‌ای از حقوق است» (مطهری ۱۳۹۰، ۱۸). اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست اما با تشابه حقوق آنان مخالف است زیرا نظام ارزش اسلام در جریان عدالت جنسیتی تبیین و متجلی می‌سازد که مساوات ملازم بلکه متحد با عدالت است و تساوی در حقوق اولیه طبیعی و ممکن است اما مساوات مطلق نه ممکن است و نه مطلوب می‌باشد (حسنی ۱۳۸۳، ۷۹). با اندکی جست‌وجو و حق‌گرایی به‌وضوح می‌توان یافت که امروزه برخی جنبش‌های ضد فمینیستی، با استناد به تمایز بنیادین بین «عدالت جنسیتی» و «برابری جنسیتی»، به نقد پارادایم مسلط غربی پرداخته و تفاوت‌های تکوینی و تعادل حقوقی را به‌عنوان جایگزینی متعالی طرح می‌نمایند.

* رهیافتی بر الگوی تمدنی سوم زن

الگوی سوم زن در جمهوری اسلامی ایران، مفهومی است که ترکیبی از نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان را در بر می‌گیرد و براساس آموزه‌های اسلامی، زن را به‌عنوان یک موجود مستقل، با هویتی انسانی و الهی معرفی می‌کند. این الگو به‌ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است و زنان را به‌عنوان محور خانواده و مؤثرترین نیروهای اجتماعی معرفی می‌کند. در این راستا، زنان به‌عنوان عاملان اصلی در تربیت نسل‌های

انقلابی و مؤمن، همچنین به عنوان جهادگران فرهنگی و اجتماعی، نقش کلیدی دارند (رضوی ۱۴۰۳، ۸۸).

با بررسی اندیشه رهبر حکیم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای درمی‌یابیم که الگوی سوم زن در گفتمان انقلاب اسلامی، به مثابه پارادایمی بدیل در تقابل با دوگانه‌های تقلیل‌گرایانه غربی و شرقی صورت‌بندی می‌شود. این الگو با اتکا به مبانی انسان‌شناختی اسلامی، از یک سو زن شرقی حاشیه‌نشین و از سوی دیگر زن غربی ابزارشده در خدمت سرمایه‌داری را به چالش می‌طلبد. در این منظومه فکری، زن مسلمان با حفظ هویت اصیل خویش، در عین برخورداری از کرامت انسانی و ظرفیت‌های معنوی بی‌بدیل، قادر به ایفای نقش فعال در عرصه‌های اجتماعی، علمی و سیاسی است و «الگوی سوم، زن نه شرقی، نه غربی است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد» (خامنه‌ای ۱۳۹۱/۱۲/۱۶).

زن در این الگو در عین اینکه عنصری «در حاشیه و دست دوم» نیست، «ابزار تمتع و سوءاستفاده دیگران و بهره‌برداری‌های غیرانسانی نیز نیست. زنی که ذیل این انقلاب الهی ظهور کرد تعریفی جدید از زن ارائه داده است. تعریفی که جهانی و بن‌بست‌شکن معضلات زنان در عصر مدرن است. در «الگوی زن مسلمان» که براساس معرفت‌شناسی الهی شکل گرفته، زن «نقاط قوت زنانه خود را با ایمان و عفت همراه می‌کند و با چنین ترکیبی قادر به نقش‌آفرینی منحصر به فردی می‌شود و این‌گونه ارزش و تشخص زن معنا می‌یابد که زن با نقاط قوت زنانه خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و

پاکدامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد - می‌تواند در جامعه یک نقش استثنائی این‌گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. این، معنای ارزش زن و تشخیص زن است؛ چیزی که مغز متحجر مادی غربی‌ها نمی‌تواند آن را بفهمد» (خامنه‌ای ۱۳۸۴/۰۳/۲۵).

مشارکت اقتصادی بانوان در چهارچوب جامعه اسلامی به‌عنوان یک ضرورت انکارناپذیر تلقی می‌گردد، چرا که زنان نیمی از سرمایه انسانی جامعه را تشکیل می‌دهند و نقش آنان در فرآیند پیشرفت ملی غیرقابل انکار است. از منظر اسلامی، عرصه فعالیت‌های اقتصادی، علمی و سیاسی برای زنان کاملاً گشوده بوده و هرگونه ممنوعیت فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان، مخالف با موازین اسلامی و ظلم به زنان (خامنه‌ای ۱۳۷۳/۰۷/۲۰) محسوب می‌شود. براین اساس، زنان می‌بایست با برخورداری از پرورش اسلامی در تمامی عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌عنوان پیشتاز حاضر شوند.

در این منظومه فکری، اشتغال بانوان می‌بایست در چهارچوب شئون اسلامی صورت پذیرد و مشاغلی همچون پزشکی، پرستاری و معلمی که با نقش تربیتی و اخلاقی زنان همسویی دارد، به‌عنوان الگوهای مطلوب شغلی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. بااین حال، در الگوی اسلامی، اشتغال زنان نباید به نقش بی‌بدیل آنان در کانون خانواده لطمه وارد سازد. اولویت با نقش مادری و همسری است که جایگزین‌ناپذیر تلقی می‌شود. در این چهارچوب، هم کار درون خانه و هم فعالیت برون خانه هریک به سهم خود ارزشمند شمرده می‌شوند.

براین اساس، نظام اجتماعی موظف است با طراحی سازوکارهای حمایتی، زمینه تلفیق مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی زنان را فراهم آورد. این رویکرد متعادل، هم تحکیم نهاد خانواده را تضمین می‌کند و هم شکوفایی استعدادهای زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی را ممکن می‌سازد. حکومت اسلامی باید با اتخاذ سیاست‌های فرهنگی جامع و

هوشمندانه، زمینه‌های رشد و شکوفایی الگوی سوم زن مسلمان را فراهم آورد و تحقق الگوی سوم زن مسلمان، نیازمند همکاری ملی و تلاش همه دستگاه‌های حکومتی بوده و با ایفای نقش محوری حکومت در این زمینه، می‌توان به حفظ هویت اسلامی جامعه و تقویت بنیان‌های خانواده کمک نمود (عبدالشاه و همکاران ۱۴۰۳، ۷۵).

در همین زمینه بررسی سیره حضرت خدیجه کبری (س) نشان می‌دهد که زندگی ایشان مصداق کامل و عینی الگوی سوم زن در تاریخ اسلام است. ایشان در عصر جاهلیت که زنان از کمترین حقوق اجتماعی محروم بودند و دختران زنده به گور می‌شدند، بانویی تاجر و از ثروتمندترین زنان جزیره العرب بود و ثروت خود را از راه تجارت به دست آورده بود. حضرت خدیجه (س) با انفاق تمامی دارایی خود در راه گسترش اسلام بدون منت گذاشتن و چشم‌داشت از دیگران، هنر انفاق کردن و ایشار را در میان زنان به ودیعه گذاشت. ایشان با حمایت مادی و معنوی خویش از پیامبر اکرم (ص) نقش مهمی را در تثبیت و گسترش اسلام ایفا نمودند و به عنوان اولین زن مسلمان تمام ابنیه وسیع و زیبای خود را با تمام دارایی در راه خدا بخشید و با این کار مهم توانست هنر انفاق کردن را در به همه زنان در همه عصرها به زیبایی بیاموزد (سرخا و همکاران ۱۴۰۰، ۲۳۴). زندگی حضرت خدیجه (س) مصداق عینی و تاریخی نگاه متعالی الگوی سوم زن است؛ بانویی که در عین برخورداری از استقلال اقتصادی و حضور اجتماعی مؤثر، والاترین الگوی همسری و مادری را به نمایش گذاشت و تمامی امکانات خود را در راه ایمان و حمایت از رسالت الهی به کار گرفت. این هماهنگی نشان‌دهنده انسجام و استواری نظام حقوقی و اخلاقی اسلام در حوزه زنان و خانواده است و ایشان نیز بر همین مبنا در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر مطرح بوده و تأثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است (احمدی، ۱۴۰۰، ۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باتوجه به موارد اشاره شده و همچنین متفاوت بودن شرایط کشورها در بسیاری از زمینه‌ها، مشابه مسیر منحصربه‌فرد توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور، ملاک‌های بهبود محیط کسب‌وکار هر کشور نیز بومی و خاص است. بنابراین استخراج ملاک‌های بومی بهبود محیط کسب‌وکار متأثر از شاخص‌های جهانی و حرکت در جهت ارتقاء آن‌ها بیشترین تأثیرگذاری را خواهد داشت.

بررسی علمی شاخص «زن، کسب‌وکار و قانون» سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که این شاخص به عللی از جمله «عدم توجه به آداب، فرهنگ، سنت، بوم و خواست مردم به‌ویژه زنان هر منطقه»، «الحادی و ضد شریعت بودن شاخص‌ها»، «روش جمع‌آوری داده غیرمتناسب»، «نامعتبر بودن اطلاعات و گزاره‌های اشتباه در ارزیابی شاخص‌ها» و سایر انتقادات علمی، فاقد وجاهت و صلاحیت لازم برای تعیین شاخص و ارزیابی کشورها بر حسب آن و تنظیم مناسبات بین‌المللی بر حسب آن ارزیابی است. این شاخص از منظر روش‌شناسی و مبانی معرفت‌شناختی با چالش‌های بنیادین مواجه است. این شاخص با اتکا به پارادایم لیبرال و با محوریت «برابری جنسیتی»، فاقد توجه به زمینه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی جوامع مختلف بوده و روش جمع‌آوری داده‌های آن مبتنی بر نظرات محدود کارشناسان بدون در نظرگیری خواست عمومی و هنجارهای نانوشته اجتماعی است.

در تقابل با گفتمان مسلط برابری جنسیتی، اسلام با ارائه مفهوم «عدالت جنسیتی» بر تعریف متناسب حقوق و تکالیف براساس ویژگی‌های تکوینی تأکید می‌ورزد. در این منظومه، تفاوت‌های طبیعی زن و مرد نه به‌مثابه تبعیض، بلکه به‌عنوان مبنایی برای تقسیم متوازن مسئولیت‌ها در چهارچوب «نظام حقوقی-تکلیفی یکپارچه» تبیین می‌شود. به‌عنوان مثال، تفاوت در سهم الارث باتوجه به مسئولیت‌های مالی مرد در خانواده، در

راستای تحقق عدالت توزیعی طراحی شده است. این نگاه، با حفظ کرامت ذاتی زن و مرد، به دنبال تحقق «برابری در کرامت انسانی» به جای «تشابه در موقعیت‌های اجتماعی» است. از منظر حقوقی، هرگونه تعهد به اسناد بین‌المللی باید با رعایت «قاعده نفی سیل» و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد تا زمینه‌های سلطه فرهنگی و اقتصادی فراهم نگردد. این رویکرد، نه تنها ضامن حفظ استقلال تمدنی کشور است، بلکه الگویی جهان‌شمول برای سایر جوامع در حال توسعه ارائه می‌دهد.

الگوی سوم زن در گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان پارادایمی بدیل در تقابل با دوگانه تقلیل‌گرایانه «زن شرقی حاشیه‌نشین» و «زن غربی ابزارشده» صورت‌بندی می‌شود. این الگو با تلفیق «نقاط قوت زنانه» با «ایمان و عفت»، امکان نقش‌آفرینی هم‌زمان در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. در این چهارچوب، اشتغال زنان در مشاغل همسو با فطرت و کرامت زنانه مورد تأکید قرار گرفته، درحالی که اولویت با نقش بی‌بدیل خانوادگی زن حفظ می‌شود. این مدل، نه تنها به بازتعریف هویت زن در چهارچوب ارزش‌های اسلامی می‌پردازد، بلکه افق جدیدی در عرصه تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌گشاید.

با توجه به ناکارآمدی شاخص‌های بین‌المللی در انعکاس واقعیت‌های جوامع اسلامی، طراحی شاخص‌های بومی مبتنی بر مبانی دینی و فرهنگی یک ضرورت راهبردی محسوب می‌شود. این شاخص‌ها باید قادر به سنجش متوازن مشارکت اقتصادی زنان در چهارچوب «عدالت جنسیتی» و با در نظرگیری هم‌زمان نقش خانوادگی و اجتماعی باشند.

کتابنامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابراهیمی، الهام و مصطفی اسماعیلی مهیاری. ۱۴۰۱. «سیر تحول نقش جنسیت در گفتمان نسبت میان کار و زندگی: تحلیل کتاب سنجی و مصورسازی». *مطالعات زن و خانواده*. ۱۰ (۳): ۱۰۳-۱۲۶.
۲. احمدی بیغش، فاطمه. ۱۴۰۰. «ابعاد وجودی حضرت خدیجه کبری (س) در همراهی با پیامبر اسلام (ص)». *همایش ملی بانوی هزاره اسلام (بزرگداشت حضرت خدیجه (س))*.
۳. افشار، اباذر، مهدی موحدی نیا. ۱۴۰۰. «بررسی تعارض سند ۲۰۳۰ در مواجهه با حدیث علّو». *مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق*. ۱۵ (۴۳).
۴. امیدی، علی. ۱۳۸۷. «گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای همه». *مطالعات حقوق خصوصی*. ۳۸ (۲).
۵. پایتختی اسکویی، سیدعلی و لاله طبقچی اکبری. ۱۳۹۵. «نقش زنان در بهبود فضای کسب و کار (مطالعه موردی: ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه)». *سیاست‌های راهبردی و کلان*. ۴ (۱۵): ۸۳-۱۰۷.
۶. پایگاه اینترنتی بانک جهانی.
۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. *زن در آینه جلال و جمال*. قم: انتشارات اسراء.
۸. حسنی، سیده معصومه. ۱۳۸۳. «تفاوت جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم». *مطالعات راهبردی زنان*. (۲۳): ۱۸۹-۲۱۹.

۹. حسینی فیروزکلایی، سیدامیرحسین، و مجید حبیبیان نقیعی. ۱۴۰۳. «الگوی پیشنهادی حکمرانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصل ۴۳ قانون اساسی به روش داده‌بنیاد». پژوهش‌های کاربردی اقتصاد امنیت ملی. ۱(۲): ۱-۳۲.
۱۰. حکیمی، محمدرضا؛ علی حکیمی و محمد حکیمی. ۱۳۸۰. الحیاه. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۷۳. «بیانات در دیدار جمعی از پرستاران». ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.
۱۲. _____. ۱۳۸۴. «بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم». ۱۳۸۴/۳/۲۵.
۱۳. _____. ۱۳۹۱. پیام به کنگره «هفت‌هزار زن شهید کشور». ۱۶/۱۲/۱۳۹۱.
۱۴. خیری دوست لنگرودی، زهرا؛ فرشاد مؤمنی و امیر خادم‌علیزاده. ۱۳۹۸. «درآمدی بر مبانی نظری شاخص توانمندسازی زنان». فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده. ۱۴(۴۸): ۱۶۹-۱۸۷.
۱۵. رضوی، سیداحمد. ۱۴۰۳. «الگوی سوم زن در گام دوم انقلاب اسلامی، زنان مقاومت و نقش آنان در تحقق تمدن نوین اسلامی». مدیریت منابع انسانی. ۲(۱۲): ۸۸-۹۸.
۱۶. رفیعی، محمود. ۱۳۹۵. روان‌شناسی خانواده در اسلام. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. رودگر، محمدجواد. ۱۳۸۸. «عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری». مطالعات راهبردی زنان. ۱۲(۴۶): ۴۹-۸۰.
۱۸. سخا، اسمعیل؛ امیر تیمور رفیعی؛ کیوان لولویی؛ و سیدحسن قریشی کرین. ۱۴۰۰. «نقش حضرت خدیجه (س) در تبیین اتفاق در صدر اسلام و انعکاس آن در عملکرد بانوان ابنیه‌ساز صفوی». مطالعات هنر اسلامی. ۱۸(۴۱): ۲۳۴-۲۵۱.
۱۹. سلگی، مریم؛ سوده کریمی. ۱۳۹۹. «ارزیابی مسئله خانواده با محوریت نقش زن در سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو». مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۸(۱۵).

۲۰. شریفیان، جمشید. ۱۳۷۹. «راهبرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در زمینه نظام بین الملل حقوق بشر». سیاست خارجی. (۵۵).
۲۱. صدوق، محمدبن علی ابن بابویه. ۱۴۰۶ ق. من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۲. صفایی، سیدحسین. ۱۳۶۶. «مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل». مجله حقوقی بین المللی. ۸(۹): ۵-۴۰.
۲۳. طاهری نیا، احمد. ۱۳۸۳. «فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن». ماهنامه معرفت. ۱۳(۸): ۷۲.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۰ ق. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. عبدالشاه، اعظم؛ سیده معصومه تقوی؛ و نرگس بزرگخو. ۱۴۰۳. «مسئولیت حاکمیت در امر حجاب باتوجه به الگوی سوم زن مسلمان با تأکید بر آیات و روایات». مطالعات تفسیری آلاء الرحمن. ۲(۸): ۷۵-۹۲.
۲۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۷. کرمی سعید. ۱۴۰۰. «حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام. ۱۱(۳): ۱۵۵-۱۷۵.
۲۸. مصطفوی نیا، سیدکاظم؛ و داود بصارتی. ۱۳۹۲. «ارث زن و مبانی تفاوت حقوق مالی او با مرد». اندیشه های حقوق عمومی، ۲(۲): ۸۳.
۲۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷. نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. _____. ۱۳۷۷. حماسه حسینی. ج ۱. تهران: انتشارات صدرا.

۳۱. _____ . ۱۳۹۰. نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا
۳۲. مقصودی، سمانه؛ فاطمه ترکان؛ وهدی صادق‌زادگان. ۱۴۰۴. راه سوم؛ الگوی م‌ترقی زن در منظومه فکری مقام معظم رهبری. چ ۳. تهران: بین‌الملل.
۳۳. منصوری، سمانه؛ عادل پیغامی؛ و عاصمه قاسمی. ۱۴۰۱. «الگوی ارتقایافته کارآفرینی زنان مبتنی بر رویکردها و تحولات جدید مطالعات جنسیت». زن در توسعه و سیاست. ۲۰(۲): ۲۵۸-۲۳۵.
۳۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. بی‌تا. صحیفه امام. ج ۷. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۵. میرباقری، سیدمحسن؛ و ملیحه‌السادات سیدرضا. ۱۳۹۲. «تحقیق در حکمت المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة». پژوهش‌های نهج‌البلاغه. (۳۹): ۲۹-۴۸.
۳۶. نجفی، محمدحسن. ۱۳۶۸. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (جلد ۳۹، کتاب الارث). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
37. American Association of University Women. 2017. Deeper in debt: Women and student loans. Retrieved from <https://www.aauw.org/resources/research/deeper-in-debt/>

